

دارای وظیفه بزرگزند. امر به معروف و نهی از منکر که یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن برپاداشتن همه فرائض اسلامی است، باید در جامعه ما احیا شود و هر فردی از آحاد مردم، خود را در گسترش نیکی و صلاح و برچیده شدن زشتی و گمراهی و فساد، مسئول احساس کند.

هنوز تا یک جامعه کاملاً اسلامی فاصله زیادی داریم

ما هنوز تا یک جامعه کاملاً اسلامی که نیکبختی دنیا و آخرت مردم را به‌طور کامل تأمین کند و تباهی و کجروی و ظلم و انحطاط را ریشه کن سازد، فاصله زیادی داریم. این فاصله، باید با همت مردم و تلاش مسئولان طی شود و پیمودن آن، به‌همگانی شدن امر به معروف و نهی از منکر آسان گردد. مساجد به‌عنوان پایگاه‌های معنویت و تزکیه و هدایت، روز به‌روز گرم‌تر و پُررونق‌تر شود و نشان ایمان و عمل و اخلاق اسلامی، در گوشه و کنار جامعه، از جمله در مراکز دولتی و ادارات و دانشگاه‌ها، همه را به پیروی از تعالیم نورانی قرآن تشویق نماید. کتاب خدا در میان مردم حضور واقعی بیابد و آموختن و تدبر و تعمق در آن، برای همه به‌خصوص جوانان و نوجوانان، امری رایج و دایر گردد. در این مورد، مسئولین علم و آگاهان و نویسندگان و گویندگان و رسانه‌های عمومی، بسی مهم و خطیر است.

■ استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی؛ فوری ترین هدف تشکیل نظام اسلامی

۳- فوری ترین هدف تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است. قیام پیامبران خدا و نزول کتاب و میزان الهی، برای امر همین بود که مردم از فشار ظلم و تبعیض و تحمیل نجات یافته، در سایه قسط و عدل زندگی کنند و در پرتو آن نظام عادلانه، به کمالات انسانی نایل آیند. دعوت به نظام اسلامی، منهای اعتقادی راسخ و عملی پیگیر در راه عدالت اجتماعی، دعوتی ناقص، بلکه غلط و دروغ است و هر نظامی هر چند با آرایش اسلامی، اگر تأمین قسط و عدل و نجات ضغفا و محرومین، در سر لوجه برنامه‌های آن نباشد، غیر اسلامی و منافقانه است و از همین‌جاست که ادعای سلاطین و حکامی که با وجود داعیه مسلمانی و شعار پیروی از قرآن، راه دیگر جبران را پیموده و فاصله فقیر و غنی را بیشتر کرده و خود در صف اغنیای قرار گرفته و از درد فقر و یاب‌هرنگان غافل مانده‌اند، چه در تاریخ و چه در زمان حاضر، همواره از سوی هوشمندان آشنا به معارف قرآن و اسلام، مردود دانسته شده است.

■ حقوق افراد جامعه در نظام اسلامی

در نظام اسلامی باید همه افراد جامعه، در برابر قانون و در استفاده از امکانات خداداد میهن اسلامی، یکسان و بهره‌مندی از مواهب حیات، متعالد باشند. هیچ صاحب قدرتی قادر به زور گویی نباشد و هیچ‌کس نتواند برخلاف قانون، میل و اراده خود را به دیگران تحمیل کند. طبقات محروم و یاب‌هرنگان جامعه، مورد عنایت خاص حکومت باشند و رفح محرومیت و دفاع از آنان در برابر قدرتمندان، وظیفه بزرگ دولت و دستگاه قضایی محسوب‌شود. هیچ‌کس به‌خاطر تمکن مالی، قدرت آن را نباید که در امور سیاسی کشور و در مدیریت جامعه دخالت نماید و نفوذ قدر او هیچ تدبیر و حرکتی در جامعه، به افزایش شکاف بین فقرا و اغنیای نینجامد. یاب‌هرنگان، حکومت اسلامی را پشتیبان و حامی خود حس کنند و برنامه‌های آن را در جهت رفاه و رفح محرومیت خود بیابند.

■ یاب‌هرنگان و کوخ‌نشینان و اکثریت مردم ما با اخلاص ترین یاوران این انقلاب و این نظام بوده‌اند و هستند و نظام اسلامی باید رفح محرومیت از آنان را در صدر برنامه‌های سازنده خود قرار دهد

امام بزرگوار ما، این را یکی از اساسی ترین مسائل جمهوری اسلامی دانسته و قوت‌ترین بیانات را در این باره ایراد نموده‌اند و این، خصوصیت غیر قابل تفکیک جمهوری اسلامی است. هیچ حالتی نباید بتواند مسئولین نظام و مدیران بخشهای مختلف آن را از این هدف اساسی غافل کند. یاب‌هرنگان و کوخ‌نشینان و اکثریت مردم ما که بر اثر سیاستهای خائنانه و خائنه‌رانداز رژیم‌ستمشاهی، در فقر و محرومیت بسر می‌برند، همواره صادق ترین و با اخلاص ترین یاوران این انقلاب و این نظام بوده‌اند و هستند و نظام اسلامی باید رفح محرومیت از آنان را در صدر برنامه‌های سازنده خود قرار دهد.

■ وحدت کلمه

۴- وحدت کلمه، رمز پیروزی ملت ایران در مراحل مختلف بوده امروزه نیز مهم‌ترین وسیله ملت ما برای مقابله با تحریک ها و توطئه‌هاست. باتوجه به سر گذشت دوران ۱۰ ساله و تأمل در حوادث آن، که حاکی از آسیب‌ناپذیری جمهوری اسلامی در برابر انواع توطئه‌های دشمنان داخلی و خارجی است، اهمیت وحدت و یکپارچگی ملت و مسئولان بیشتر آشکار می‌شود. ملت ایران و مدیران و گردانندگان کشور، باید بر گرد اصول اساسی نظام جمهوری اسلامی مجتمع گشته و همه توان و نیروی خود را برای تحقق و حراست از آن متمرکز کنند و هیچ خواسته و شعار و هیچ انگیزه فردی و گروهی و قومی و فرقه نتواند فرد و یا جمعی را از تلاش برای آن اصول و رسیدن به هدف های نظام جمهوری اسلامی باز دارد. همه ملت رشد ایران، مخصوصاً آنان که سخن و عملشان در معرض قضاوت و توجه دیگران است، باید صفوف خود را متحد و مرسوم ساخته، با وحدت و همکاری و با گامهای استوار، به سوی اهداف عالیه اسلام، قدرتمندانه حرکت کنند و دشمنان کمین‌گرفته را که مترصد فرصتند، مأیوس سازند.

■ دشمن از همه راه ها برای تضعیف جمهوری اسلامی عاجز مانده وید خواهند در کمین اختلافات داخلی نشستند است

رسانه‌های خبری بیگانه که مظهر تمایلات و سیاست ها و نِیّات خصمانه و اغراض خبیث سرمداران سیاست های جهانی اند، برپروی هر کلمه و هر اشاره ای که از آن، بوی اختلاف و دو دستگی استشمام شود و یا بتوان چنین وانمود کرد، شدیداً حساسیت نشان داده و با بزرگ کردن لکنه‌های ریز و مطرح ساختن استنباط های دروغین از گفته‌ها و نوشته‌ها در ایران، به‌طور دائم در تلاشند که شاید بتوانند تصویری مشوش و آلوده به اختلافات و زدوخورد داخلی از ایران اسلامی – به‌جدا... بر خودار از وحدت و یکپارچگی کم‌نظیری است – به مردم ایران و جهان ارایه دهند و زمینه دوستدگی و نفاق را با این وسوسه‌ها به وجود آورند. این ها همه نشانه آن است که امروزه دشمن از همه راه ها برای تضعیف جمهوری اسلامی عاجز مانده و بدخواهانه در کمین اختلافات داخلی و شکست وحدت عمومی نشست است. ملت رشید ایران و مسئولان و متصدیان امور کشور و نمایندگان محترم مجلس، گویندگان و نویسندگان، باید مانند همیشه به این طمع خام دشمن پاسخ مناسب اربهند و وحدتی را که صنع الهی و رحمت شامله حق بر ملت ایران است، با همه وجود پاسداری کنند.

■ حفظ عزت و کرامت انقلابی جمهوری اسلامی و ملت ایران در مناسبات بین‌المللی

۵- حفظ عزت و کرامت انقلابی جمهوری اسلامی و ملت ایران در مناسبات بین‌المللی، یکی دیگر از نقاط اصلی است.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تحولی ژرف در ارتباطات بین‌المللی از دو نظر به‌وجودآورد:

اول این که هیمنه دو ابر قدرت آن روز دنیا را در رابطه‌شان با دولت های ضعیف جهان، شکستی سخت داد و ابهتی را که به‌مورد در چشم ملت ها و دولت ها به دست آورده بودند، به شدت تضعیف کرد.

دوم آن که به ملت ها دلگرمی و شجاعت بخشید و جرأت و گستاخی در مقابله با دولت های دست‌نشانده را به آنان تزریق کرد. گرچه این تأثیرات عمیق، بتدریج در جهان ظاهر شد و امروز پس از ۱۱ سال، چهره سیاسی عالم را دگرگون کرده است، اما همه چشم‌های تیزبین، از همان آغاز تشخیص دادند که با پیروزی این انقلاب عظیم، عصر جدیدی در مناسبات عالم پدیدآمده است.

■ ویژگی های «عصر امام خمینی»

این عصر را باید «عصر امام خمینی» نامید و ویژگی آن، عبارت است از بیداری و جرأت و اعتماد به‌نفس ملت‌ها در برابر زور گویی ابرقدرتها و شکستن یت‌های قدرت ظالمانه و بالندگی نهال قدرت واقعی انسانها و سرپر آوردن ارزشهای معنوی و الهی.

■ شرایط ابر قدرت در سال ۱۳۶۹؛ یکی حذف شده و دیگری موقعیت خود را در جهان متزلزل می‌بیند

امروز که با دفن مارکسیسم و تاراش بلوک شرق و قیام های مردمی برضد حکومت‌های استبدادی کمونیست، پیش‌بینی های امام بزرگوار تحقق یافت و یکی از ابر قدرت از صحنه سیاست عالم حذف و به قدرت درجه دوم تبدیل گردیده و ابر قدرت دیگر هم از سویی با اوگیری مقاومت های مردمی در بسیاری از نقاط عالم، از جنوب و شمال آفریقا و فلسطین اشغالی تا اقصی نقاط شرق آسیا و از سوی دیگر، با گسترش روزافزون فسادو بی‌ایمانی و بی‌بندوباری، خلأ معنویت و تفکر مکتبی در داخل جامعه آمریکایی و گسسته شدن رشته همبندگی با کمونیسم؛ که همواره سرمداران آمریکای می‌خواستند با آن، خلأ یک عقیده وحدت بخش را در میان ملت خود پُر کنند و نیز از سوی دیگر، برهم‌ریختن محاسباتی که بر روابط اروپا و آمریکا حاکم بود، موجب نفوذ دولت آمریکا حتی بر کشورهای اروپایی می‌شد، به شدت احساس خطر می‌کند و موقعیت خود را در جهان متزلزل می‌بیند.

■ جمهوری اسلامی موظف است کوچک ترین تغییری در چهره باصلابت و موضع باعزت خود در مناسبات بین‌المللی ایجاد نکند

برای حفظ این روند روبه اشغال و تقویت روحیه ملت های اصیل و مظلوم، جمهوری اسلامی موظف است کوچک ترین تغییری در چهره باصلابت و موضع باعزت خود در مناسبات بین‌المللی ایجاد نکند؛ با قلدران، از موضع قدرت و با دولت های ضعیف، از موضع حمایت و با ملت های بپاخاسته، از موضع رعایت و هدایت سخن بگوید و عمل کند؛ دولت آمریکا را به مثابه رأس فتنه و استکبار و رمز غدار ی و شیطنت و به‌خاطر ستمش به کشورهای ضعیف و حمایتش از صهیونیسم غاصب و دشمنی اش با بیداری و آزادی ملت ها و خصوصت عمیق و جنایت بارش با ملت ایران، محکوم و منقور و مطرود دانسته، هیچ فرصتی را برای افشای چهره تزویر آلود و رسوا کردن آن، در میان آزادی و غیره و بیان این حقایق از دست ندهد.

■ مسئله فلسطین، مسئله اول بین‌الملل اسلامی است
مسئله فلسطین، مسئله اول بین‌الملل اسلامی است. امروز که مبارزات ملت فلسطین در زیر پرچم اسلام، خواب از چشم

انحطاط و ابتلا به غضب الهی دچار ساختند. «الم تر الی الدّین بذلوا نعمتاً... کفراً واحلّوا قومهم دارالبوار جهنّم یصلونها و بئس القرار.»(۸)

■ چه شد تهدیدی که رؤسای عرب با ملت‌های خود درباره مبارزه با اسرائیل بستند؟

چه شد آن شور و هیجانی که در برابر اسرائیل غاصب ابراز می‌شد؟ و چه شد تهدیدی که رؤسای عرب با ملت‌های خود درباره مبارزه با اسرائیل بستند؟ لعنت خدا و بندگان صالحش بر آن دستی که اولین معاهده سازش با اسرائیل را امضاء کرد و زندگی سیاه دنیوی و سرنوشت اخروی خود را با فرعون قرین ساخت و نفرین بندگان صالح و فرشتگان و انبیا و اولیا بر آنان که آن راه را ادامه داده‌اند و می‌دهند؛ مخصوصاً آنان که امید کاذبی به ملت مظلوم فلسطین داده و آن گاه به بهای سفوفی آنان، عیش ناپایداری برای خود فراهم کردند. ملت فلسطین نباید و نمی‌تواند آزادی و حقوق حقّه خود را در کنفرانس و گردهمایی های سران عرب جستجو کند. این نشست و برخاست ها، اگر برای فلسطینی های مظلوم، شوم و بدفرجام نباشد، حداقل بی فایده و بی خاصیت است. رؤسای داخل باید به عنوان فلسطین گردهم آیند، اگر صادقانه در اندیشه نجات فلسطین بودند، باید در برابر پیشنهاد مזורانه رئیس‌جمهور آمریکا، موضعی سخت و قاطع گرفته، برای کمک مالی و تسلیحاتی و سیاسی به مبارزان داخل فلسطین اشغالی، تصمیم های عاجل و واقعی می‌گرفتند و به شعارهای پوچ انگفنا نمی‌کردند و اگر چنین نشود – که نشده است و با وضع فعلی جهان عرب و حکام آن، نخواهد هم شد – مبارزان داخل باید به خدا و به نیروی مردمی و اسلامی تکیه کنند و بدانند: «کم من فئّة قليلة غلبت فئّة كثيرة باذن... و...» مع‌الضّابرين.»(۹)

■ تکیه بر مردم حاکمیت اراده و خواست و تشخیص آنان

۶- تکیه بر مردم و حاکمیت اراده و خواست و تشخیص آنان، رکن مهم دیگری است که روز به‌روز باید تحکیم و تقویت شود. مردم باید به خدا و به اراده قاطع خود که از ایمان عمیق آنان به اسلام ناشی می‌شود، مبارزات را تا پیروزی ادامه داده و جمهوری اسلامی را به وجود آورده و با فداکاری و ایثار یی نظیر، از آن حراست نموده‌اند و از این پس هم در همه حال، نظام اسلامی متکی به مردم و متعلق به مردم و در اختیار مردم خواهد بود. مجلس شورای اسلامی که در آزادی و استقلال رای در جهان بی نظیر است، مظهر اراده مردم و رئیس‌جمهور، وکیل و برگزیده مردم و مدیران کشور، آحادی از مردمند و مردم دارای حق رای و بیان و تصمیم در کلیه امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اند. و این، یکی از برکات بزرگ اسلام و طرح منحصر به‌فردی است که نظام‌های شرق و غرب، از ارایه نمایان آزادی و غیره و بیان این حقایق از دست ندهد.

■ حال و روز کشورهایی که اسماً دارای نظام دموکراسی هستند

علاوه بر نظام های ورشکسته و متلاشی شده کمونیستی که در آن، حزب منحصر به‌فرد کمونیست، به جای مردم تصمیم می‌گرفت و علاوه بر نظام های ارتجاعی مستبدانه که در آن، سلطنت های موروثی و ریاست های ناشی از کودتای نظامی، با آن زندگی های قارونی و دیکتاتوری های فرعون ی، و بال جان و زندگی مردم محسوب می‌شوند، در کشورهای هم که اسماً دارای نظام دموکراسی اند و حکومت ها علی‌الظاهر با رای و انتخاب مردم بر سر کار می‌آیند، باطن کار چیز دیگری است

بعضی از این نویسندگان و گویندگان که عمر باطل خود را غرقه در فساد و آلودگی های اخلاقی و سیاسی و انواع هرزگی ها گذرانیده‌اند، با حکومت اسلامی که راه را بر این تباهی ها و هرزگی ها بسته است و اربابان خارجی آنها را بیرون رانده، متخالفند و آن گاه این مخالفت و عناد را که مخالفت با اسلام و استقلال و آزادی ملی و طهارت اخلاقی است، به حساب خرده‌گیری و انتقاد از اوضاع سیاسی و اقتصادی می‌گذارند و در حالی که از آدانه هر چه خواسته‌اند، گفته‌اند، با وقاحت و تزیور و فریب و آگاه است. ملت ما، حسرت بازگشت به دوران بر دگی آمریکا را بر دل آنان خواهد گذاشت و با همه وجود، دستاور بزرگ خود – یعنی نظام اسلامی و حاکمیت اراده و ایمان انسانها – را حراست خواهد کرد.

■ انقلاب اسلامی به دنبال کدام آزادی است؟

نظام اسلامی، هر گز نخواستۀ آزادی را که هرچمدان آن اسلام و قرآن است، از مدعیان دروغگوی آزادی در نظام‌های غربی بیاموزد. ما از آزادی فساد و بی بندوباری و هرزگی و آزادی دروغ و تزیور و فریب و آگاه است. ملت و استعمار در تجاوز به حقوق ملت‌ها را که غر ب پرچمدان و مرتکب آن بوده است، صریحاً و قاطعاً رد می‌کنیم. ما آن آزادی را که به سلمان رشدی مرتد ناپ کار، به اجازه اهانت به مقدسات یک میلیارد انسان را میدهد، اما به به مسلمانان انگلیس حتی حق شکایت از او را هم نمی‌دهد؛ به دولت آمریکا حق تحریک و سر دستگی اوباش مخالف با یک حکومت مردمی را میدهد، اما به آن حکومت مردمی، حق مقابله با آن اوباش را نمی‌دهد؛ به سرمایه‌داران غارتگر، حق ورود نامشروع به کشورهای ضعیف و چپاول هست و نیست آن ملت ها را می‌دهد، و به آن ملت ها حق مبارزه با آنان را نمی‌دهد، مردود و منقور می‌شویم و آن را ننگ بشریت می‌دانیم.

■ مسئولان کشور باید مانند همیشه، حضور مردمی و تأثیر تعیین‌کننده آن در استقلال کشور را پاس بدارند

آزادی در منطق ما، آزادی است که اسلام به ملت ها می‌بخشد و آنان را به کوه استواری در برابر سلطه‌گران ظالم و غاصب تبدیل می‌کند؛ همان‌طور که در مورد ملت ایران اتفاق افتاد و این معجزه پدید آمد. و این آزادی در کشور ما همواره هست و خواهد بود و همه آحاد ملت باید آن را حفظ کنند. مسئولان کشور باید مانند همیشه، پاس حضور مردمی و تأثیر تعیین‌کننده آن در استقلال کشور را بدارند و به‌طور روز افزون، مردم را به حضور و فعالیت در صحنه‌های سیاسی و اقتصادی، فرهنگی و دفاعی و امنیتی تشویق نمایند.

■ همکاری دولت و ملت و پیوند عاطفی و عقیدتی مردم با مسئولان کشور

۷- همکاری دولت و ملت و پیوند عاطفی و عقیدتی مردم با مسئولان کشور، یکی از مظاهر اساسی حکومت مردمی است و تاکنون گرۀ گشای مسائل بسیار مهمی بوده است و باید همیشه با همان قوّت و استحکام باقی بماند. امام بزرگوار ما (رضوانا...)، در دوره‌های مختلف و نسبت به دولت های همه دوران ۱۰ ساله، همواره مردم را توصیه به همکاری و کمک نموده‌اند و امروز که دولت جمهوری اسلامی، با مدیریت یکی از چهره‌های شاخص انقلاب و یکی از شاگردان و یاران دیرین امام است، با مجموعه‌ای از کارهای بزرگ برای پیشرفت کشور و رشد و توسعه ملی و دفاع از ارزشهای انقلاب در سطح جهان روبه‌رو است، این پیوند و صمیمیت، از همیشه باید مستحکم



و زمام همه کار، در دست سرمایه‌داران استثمارگر است و این قدرت پول و سرمایه است که با در دست داشتن رسانه‌ها و قدرت تبلیغات، امر را بر خود مردم هم مشبیه می‌کند.

■ افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد

در همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشان اش تا پایان عمر در زّی طلیبگی زندگی کرد و به همه جای عالم، فاصله میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌شده گداست؛ حتی حکومت‌هایی هم که داعیه توده ای داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن